

# «دستجرد»، محله‌ای که قدمتش به دور ه ساسانی می‌رسد



محدوده اراضی دستجرد در نقشه مشهد سال ۱۳۵۳



باغ خوبی به احتمال فراوان قدیمی ترین بنایی باشد که اکنون در اراضی دستجرد قدیم موجود است.

مرضیه ترابی] «دستگرد، نامی عمومی است که از دوره ساسانی در ایران رواج دارد. علامه دهخدا در «لغت نامه»، دستگرد را «زمین هموار، زمین و ملک زراعتی و بنایی مانند کوشک که گرد آن خانه‌ها باشد» معنا کرده است. برخی نام دستگرد را به اراضی سلطنتی در دوره ساسانیان مربوط می‌دانند و معتقدند هر جا به نام دستگرد برخورد کردیم، باید آن را در زمره املاک فرمانروایان دودمان ساسانی بدانیم؛ با این حال، صحت این ادعا چندان معلوم و مشخص نیست و ای بسا، نام دستگرد در دوره اسلامی نیز به دفعات بر روی مناطق مختلف شهری و روستایی ایران گذاشته شده باشد؛ به همین دلیل می‌توان در دانش نامه اسامی شهرها و روستاهای ایران، به ده‌ها منطقه برخورد کرد که نام، دستگرد، اثر یا قوت حموی، (در گذشته ۶۲۴ قمری)، است که در آن، دستگرد را نام ۱۰ منطقه در ایران آن عصر معرفی می‌کند و هنگام معرفی این ۱۰ ناحیه، می‌نویسد: «دهکده‌ای در نوغان توس است و آن را دستگرد می‌گویند...»

شهاب‌الدین عبید... خوابی، مشهور به «حافظ ابرو»، (در گذشته ۸۲۳ قمری) نیز از «دستگرد، به عنوان یکی از محلات مشهد در ابتدای قرن نهم هجری نام برده است. امروزه نام دستگرد برای مشهدی‌ها شناخته شده نیست و حتی بسیاری از آن‌ها نمی‌دانند که روی اراضی این مزرعه یا روستای قدیمی سکونت دارند. در گزارش پیش‌رو قصد داریم درباره دستگرد و پیشینه آن کنکاش مختصری داشته باشیم و شما علاقه‌مندان را به سفری تاریخی و البته متفاوت در گذشته مشهد مقدس ببریم.

## ● یحیی در مکان یابی «دستگرد»

در اینکه مکان اصلی مزرعه دستگرد کجا بوده، اختلاف است. مهدی سیدی در کتاب ارزشمند «نگاهی به جغرافیای تاریخی مشهد»، می‌نویسد: «این روستای تاریخی که اراضی آن متعلق به چند موقوفه مهم بوده، در اوایل سده حاضر خورشیدی (منظور ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ خورشیدی است) جزو شهر شده است و خیابان عصری و بخش‌های خیابان امام رضا (ع) تهران قدیم) در اراضی همجنس روستا شکل گرفته‌اند. اراضی این روستا هنوز در سند منازل واقع در اراضی آن ذکر می‌شود. «باتوجه به این گزارش، قاعدتاً می‌توان دستگرد ذکر شده در کتاب حافظ ابرو را همین دستگردی دانست که مهدی سیدی محدوده آن را با توجه به اسناد در دسترس، تعیین کرده است، زیرا دستگرد مورد نظر شهاب‌الدین عبید... خوابی در محدوده شهری قدیم مشهد، پیش از احداث باروی شاه تهماسبی قرار می‌گرفت. استفاده از نام دستگرد برای معرفی یکی از محلات مشهد، در ادوار تاریخی مختلف رواج داشته، به غیر از متن کتاب حافظ ابرو که به آن اشاره کردیم، می‌توانیم از متن وقف نامه اولادی «میرزا محسن رضوی»، مربوط به سال ۱۰۵۵ قمری یاد کنیم که در آن فقط به نام محله دستگرد، بلکه به برخی اجزا و مناطق آن هم اشاره شده است.

در متن این وقف نامه که در کتاب «بیست وقف نامه از خراسان»، آمده است، می‌خوانیم: «یک سُدُس [یک ششم] شمش از مزرعه مقون [مقان] بلوک مزبور به [با] باغ محله دستگرد، همجاری هفت اناز

## ● (شعله و شاید چشمه) آب و اراضی متعلقه در خارج

شهر... قنات گلشن یک سهم از هشت سهم مع نصف باغ‌ها مشهور به میرعبید... در محله دستگرد، افزون بر این وقف نامه، در وقف نامه مدرسه علمیه «نواب» هم که مربوط به دوره صفویه است، می‌توان رد و نشانی از دستگرد یافت. نام «قنات دستگرد» در متون وقفی دوره افشاریه و قاجاریه، مانند «طومار علیشاهی» و «طومار عضدالملک» نیز وجود دارد. گزارش موجود در «طومار عضدالملک» گزارشی تقریباً منحصراً به فرود باره حدود مزرعه دستگرد است که می‌توان به متن آن در کتاب «آثار الرضویه» دست یافت. در متن «طومار»، آمده است: «مزرعه دستگرد از جمله ۲۴ سهم مقرر دو سهم المقرر حدود: حدی به اراضی مزرعه التندشت/ حدی به قبرستان خارج دروازه عیدگاه/ حدی به اراضی مزرعه تقی آباد/ حدی به خندق شهر بین ارگ و دروازه عیدگاه.» از سوی دیگر، احتشام کوبانیان در «شمس الشموس»، مزرعه دستگرد را یکی از املاک وقفی آستان قدس در «حومه مشهد» می‌داند که «جزو شهر شده و برای منازل به اشخاص اجاره داده شده [است].»

## ● نتیجه‌گیری

بررسی این اطلاعات نشان می‌دهد که درباره محله خواندن یا مزرعه خواندن دستگرد باید احتیاط کرد و آن را در منطقه جدا از هم دانست که از نظر تاریخی و جغرافیایی در امتداد یکدیگر قرار دارند. به نظر می‌رسد در ابتدا و پیش از آنکه حدود

راضی شهر مشهد یا باروی بزرگ شاه تهماسبی مشخص شود، دستگرد مزرعه‌ای بزرگ بوده که اراضی اش در محدوده جنوبی اطراف باروی قدیمی «شرف‌الدین ابوطاهر قمی» (بناشده در سال ۵۱۵ قمری و دوره سلطان سنجر سلجوقی) قرار داشته و بدین سبب، محله‌ای را که در جوار اراضی دستگرد قرار داشته است، به این نام می‌خوانده‌اند. درست مانند آنچه که احتمالاً درباره محله نوغان مشهد روی داد و آن را به دلیل قرار گرفتن در امتداد مسیر منتهی به شهر بزرگ نوغان قدیم، چنین نام گذاری کرده بودند. بعد ها و با ساخته شدن باروی شاه تهماسبی، عملایش‌هایی از اراضی دستگرد، داخل محدوده شهری قرار گرفت. برخی باغ‌های نام برده شده در اسناد موقوفات، مانند «باغ‌گاه میرعبید...»، احتمالاً در زمره آن بخش از اراضی بودند که در دوسوی باروی شهر قرار می‌گرفتند. بر روی این اراضی، زیرساخت‌های شهری ایجاد شده بود و جمعیت معتنا بهی در آن سکونت داشتند.

در سندی که با شماره ۲۷۹۲۴ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و مربوط به سال ۱۰۱۶ قمری است، صحبت از «حمام دستگرد» و دیگر تأسیسات عمومی آن به میان آمده که درخور توجه و بررسی است. به اعتقاد نگارنده، بخش‌هایی از مزرعه بزرگ دستگرد که در داخل باروی شهر قرار گرفته بود، به تدریج و در گذر تاریخ دچار تغییر نام و عنوان شد و محدوده و موقعیت آن در فضای شهری مشهد مستحیل گردید. اما

بخش عمده اراضی این مزرعه بسیار قدیمی، پشت باروهای شهر باقی ماند و طی قرن‌های بعد به تدریج به محدوده شهری مشهد پیوست.

## ● مرور یک سند تاریخی

درباره اتفاقات سده‌های اخیر بر روی اراضی مزرعه بزرگ دستگرد، اسناد متعددی وجود دارد که به عنوان نمونه، به سندی مربوط به پنجم ربیع الاول سال ۱۳۲۴ قمری (۲۰ دی ماه ۱۲۹۴ خورشیدی) اشاره خواهیم کرد. این سند که با شماره ۱۰۴۱۵۴ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، مربوط به تقاضای «ظهور الاسلام»، متولی باشی وقت آستان قدس رضوی، از «الکتاب»، رئیس وقت بانک استقراضی روس (شعبه مشهد)، است. ظاهراً بانک مذکور جاده‌ای اختصاصی را برای خود و بر روی اراضی مزرعه «دستگرد» کشیده بود و باید به صورت سالانه، مبلغی را به عنوان «حق الارض» به مستأجر مزرعه مذکور پرداخت می‌کرد. اما در زمان تنظیم نامه، دوسالی بود که بانک ابدامبلغی به مستأجر نداده و به اعتراض وی هم‌وقعی ننهاده بود. بانک استقراضی روس در آن دوران، جایی نزدیک بازار مشهد و در مجاورت خیابان تهران (امام رضا (ع) فعلی) قرار داشت. احتمالاً دلیل خودداری بانک از پرداخت حق الارض، شرایط بغرنج حاکم بر ایران بعد از آغاز جنگ جهانی اول بود که نهایتاً به فرپاشی روسیه تزاری، تأسیس اتحاد جماهیر شوروی و واگذاری حقوق بانک استقراضی روس به دولت ایران، براساس قرارداد ۱۹۲۰ میلادی انجامید.

درباره نخستین کارگردان سینما در مشهد که

۱۲۴ پیش در این شهر به دنیا آمد

## «آوانف»، آپاراتچی تالار اعتبار السلطنه



گروه تاریخ و هویت «آوانس آوانسیان» دی ماه سال ۱۲۷۹ خورشیدی در مشهد به دنیا آمد؛ چهره‌ای ارمنی تبار که برای همه اهل سینما در ایران، نامی آشنا محسوب می‌شود. نویسندگان دایره المعارف‌های سینمایی، او را با عناوینی چون اولین کارگردان سینمای ایران، بانی اولین مدرسه بازیگری ایران، نخستین تدوینگر فیلم ایران و نخستین فیلم‌نامه‌نویس ایرانی معرفی کرده‌اند اما بد نیست بدانید که نخستین مشهدی فعال در همه این موارد هم هست و علاوه بر این‌ها نخستین بهره‌بردار سالن سینما در مشهد هم شناخته می‌شود.

این ادعا را اطلاعات رسمی ثبت شده درباره زندگی وی توسط اهل تاریخ، تأیید می‌کند. آوانسیان که علاوه بر این نام با اسامی دیگری از جمله آوانس اوهانانیانس، آوانس اوگانیانانس، آوانس اوهانیان و آوانف هم در کتاب‌های مختلف تاریخ سینمای ایران معرفی شده است، به روایتی در پنج سالگی همراه پدر راهی عشق آباد و سپس مسکو شد و در هنرستان هنر این شهر به تحصیل در رشته سینما پرداخت.

او پس از پایان تحصیلات همراه خانواده به مشهد آمد و با نام «آوانف» و به عنوان متخصص آپارات در تالار اعتبار السلطنه مشغول کار شد. آوانسیان سپس مدتی بهره‌بردار همین تالار شد و پس از تعطیلی آن به عشق آباد رفت، اما سال ۱۳۰۸ به مشهد بازگشت و اندکی بعد راهی تهران شد. وی در بازگشت به ایران با توجه به آموزش‌هایی که دیده بود، تلاش کرد نخستین مدرسه سینمایی ایران را ایجاد کند. آوانسیان پس از جلب موافقت سعید نفیسی، عباس مسعودی، علی و کیلی و چند تن دیگر برای همکاری در ۲۴ فروردین ۱۳۰۹ طی اعلانی از متقاضیان هنرپیشگی خواست که همه‌روزه برای ثبت نام به دفتر «مدرسه آرتیستی سینما» واقع در خیابان علاء الدوله وقت و فردوسی کنونی مراجعه کنند. نخستین فارغ‌التحصیلان این مدرسه، دی ۱۳۰۹ معرفی شدند.

آوانسیان هم‌زمان با اداره اولین مدرسه بازیگری ایران تلاش کرد نخستین فیلم سینمای ایران در ژانر کمدی را نیز تولید کند. این فیلم صامت که «آبی و رابی» نام داشت و نویسنده فیلم‌نامه، کارگردان، تهیه‌کننده و تدوینگر آن خود آوانسیان بود، برای نخستین بار جمعه ۱۲ دی ۱۳۰۹، در سینما مایاک به نمایش درآمد تا بدین گونه این مشهدی زاده ارمنی، مجموعه‌ای بزرگ از نخستین‌های سینمای ایران را به خود اختصاص دهد. آوانسیان سال ۱۳۴۰ در شصت و یک سالگی در حالی به گمنامی درگذشت و در قبرستان قدیم آرامنه تهران، یعنی آرامستان دولا، دفن شد که علاوه بر این نخستین‌ها، عناوین نویسنده، کارگردان و بازیگر نخستین فیلم ناتمام تاریخ سینمای ایران یعنی «سوار سفید» را هم برای همیشه به نام خود ثبت کرد و البته همین عناوین را در فیلم «حاجی آقا، آکتور سینما» دومین فیلم و تنها فیلم با مانده از سینمای صامت ایران نیز در اختیار داشت.

## یک خانه تاریخی با اصالتی مخدوش شده



گروه تاریخ و هویت خانه تاریخی «صاحب علم» در دوره پهلوی اول ساخته شده و در فاصله‌ای کوتاه از حرم مطهر قرار گرفته است. این اثر به مساحت تقریباً ۴۴۳ مترمربع اکنون کاربری مسکونی دارد، اما آن‌طور که در کتاب «هویت مشهد» بیان شده، تمرینات آجرکاری در قسمت فوقانی و آجرکاری ساده در نمای بنا همراه با پوشش شیروانی و وجود سقف کاذب در طبقه دوم از جمله ویژگی‌های معماری خانه صاحب علم است.

پس از ورود به خانه، با عبور از دالانی وارد حیاطی بزرگ می‌شویم که با آجرهای چهارگوش فرش شده و در آن باغچه‌های بزرگ و درختان کهن سال و حوض هم بر صفای خانه افزوده است. نمای خانه از آجر ساده است و پنجره‌های چوبی‌اش راقاب آجری ساده و جان‌پناهی چوبی در بر گرفته است. رخیام خانه نیز ترکیبی از آجرهای تراش و ساده است که به نمای ساده این بنا جلوه‌ای خاص بخشیده است. در نمای خارجی این بنا پنجره‌های چوبی با حفاظ (فرפורزه) دیده می‌شود. در این بنا دخل و تصرف‌هایی نیز شده که از اصلش کاسته است. لایه‌ای از آندود سیمانی روی نمای بیرونی و آجری بنا کشیده شده است، همچنین ایجاد امکانات رفاهی مانند عبور کابل، لوله‌گاز و... و ایجاد الحاقاتی در حیاط برای ساختن انباری و جایگزین کردن در فلزی به جای در چوبی، مواردی هستند که از اصالت بنا کاسته‌اند.

منبع: کتاب «هویت مشهد»، نوشته محمد هادی درودی

تاریخ ثبت ملی: ۱۲ تیر ۱۳۸۴

مساحت بنا: ۴۴۳ مترمربع

موقعیت اثر: خیابان خسروی (دیالمه)، بازار سرشور، بین سرشور ۱۴ و ۱۲،

اولین منزل دست‌چپ، پلاک ۱۴۲

